



جدیدترین اثر پیرامون زندگی رهبر معظم انقلاب

جعفر شبرعلی نیا نویسنده دایره‌المعارف‌های مصور تاریخ جنگ ایران و عراق و تاریخ زندگی امام خمینی (ره) گفته: «آخرین کتابش با نام روایتی از زندگی و زمانه حضرت ایتالله خامنه‌ای (۱۳۱۸ تا امروز) در آینده‌ای نزدیک روانه بازار نشر می‌شود. این کتاب جدید همچون دو اثر پیشین نویسنده در نشر سایان منتشر می‌شود. این کتاب روایتی از ۷۵ سال زندگی رهبر معظم انقلاب است، روایتی از روزهای کودکی و مدرسه، روزهای مبارزه تا پیروزی انقلاب، از سال‌های پرمخاطره دهه شصت، دوران ریاست‌جمهوری و سال‌های جنگ، از ۲۵ سال رهبری از دولت سازندگی تا دولت اصلاحات و پس از آن تا امروز؛ روایتی از حوادث داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، امیژه‌ای از سیاست، تاریخ، اجتماع و فرهنگ.»



سجاد صداقت
S.sedaghat@fdn.ir

«دست‌کم اعلام فرمایند تا در مملکت افغانستان یا سرزمین دیگری آن را چاپ نمایم.» این جمله پایانی نامه‌ای است که صادق زیباکلام عضو هیات علمی دانشگاه تهران، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت امسال و در میانه برگزاری نمایشگاه کتاب، خطاب به علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نگاشته است. زیباکلام در نامه خود از جنتی خواسته است تکلیف دو کتاب باقی مانده‌اش که در اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در انتظار تعیین تکلیف است را روشن کند. او به نکات دیگری نیز در این نامه اشاره کرده‌اما به نظر می‌رسد نکته‌ای که زیباکلام در پایان‌نامه به آن اشارت می‌دهد، حکایت عجیبی باشد که حالا می‌تواند بازار نجف و خسته کتاب در ایران را بار دیگر وارد فاز تازه‌ای کند. زیباکلام همان‌گونه که در ابتدا آمد، در پایان‌نامه از جنتی می‌خواهد که اگر مشکلات کتاب‌های مجوز چاپ نگرفته او همچنان غیر قابل حل است، تکلیش را روشن کند تا او کتاب‌ها را در کشور دیگری چاپ کند. اما آیا چنین کاری امکان دارد؟ و اعلام این حرف از سوی زیباکلام چه هدفی را دنبال می‌کند؟ مسأله‌ای که پاسخ آن را شاید بتوان در صنعت نشر همان «سرزمین‌های دیگر» که زیباکلام به آنها اشاره می‌دهد، یافت.

فیلم‌های فلسفی به روایت فیلسوفان - ۷

آیا جست‌وجو برای خیر راهی به شر نیز دارد؟



زهراسلیمانی‌ا قدم
Z.soleymani@fdn.ir

فیلم «بهار، تابستان، پاییز، زمستان... و بهار» اثری از کیم کی دوک را به‌عنوان فیلمی که می‌توان آموزه‌های فلسفی را از آن فرا گرفت، معرفی می‌کند.

اسلاوی ژیزک فیلسوف پسر و صدای این روزها در نشریه گاردین فیلم «بهار، تابستان، پاییز، زمستان... و بهار» محصول کره شمالی است که در واقع داستان آن در چهار فصل یا بخش روایت می‌شود. در بخش بهار، کودکی در کنار استاد خود پرورش می‌یابد. استاد همیشه ناظر کارهای اوست. در فصل تابستان، راهب را در

زمان نوجوانی می‌بینیم. او به دور از هر گونه آرایش و فکری پلیدی در کار خدمت به استاد و پرستش بودا زندگی می‌کند. در این میان، دختری بیمار برای شفا به آنجا می‌آید. راهب نوجوان شیدای دختر شده و با وجود تمام تعلیماتی که دیده و آموزه‌هایی که آموخته، با دختر ارتباط برقرار می‌کند. این سرآغازی می‌شود بر گناهایی که راهب خواهد کرد. در جایی استاد که از این عمل مطلع شده، به راهب می‌گوید این شهوت می‌تواند شهوت قتل را هم در تو برانگیزد. استاد دختر را به بیرون از قلمرو خود می‌برد. راهب نوجوان بین بندگی بودا و عشق زمینی خود مانده است. انتخاب او دختر است. در پاییز فیلم، استاد بودایی به‌طور اتفاقی به خبری در روزنامه برمی‌خورد که مردی پس از قتل همسرش متواری شده است. قاتل همان شاگرد استاد است. مرد دوباره پیش مرید خود بازمی‌گردد. دو کارآگاه برای دستگیری او می‌آیند و او را با خود می‌برند. در بخش زمستان، راهب بار دیگر بازمی‌گردد اما خبری از استاد نیست. این‌گونه به نظر می‌رسد که او دوران محکومیتش را سپری کرده و حالا دنبال چیزی در زندگی‌اش می‌گردد که او را به آرامش ذهنی و دوری از شهوت و وابستگی و تمنا برساند. در آخرین فصل فیلم که مجادله بهار است، باز کودکی راهب را می‌بینیم، مشغول کوبیدن روی لاک یک لاک‌پشت.

زمان نوجوانی می‌بینیم. او به دور از هر گونه آرایش و فکری پلیدی در کار خدمت به استاد و پرستش بودا زندگی می‌کند. در این میان، دختری بیمار برای شفا به آنجا می‌آید. راهب نوجوان شیدای دختر شده و با وجود تمام تعلیماتی که دیده و آموزه‌هایی که آموخته، با دختر ارتباط برقرار می‌کند. این سرآغازی می‌شود بر گناهایی که راهب خواهد کرد. در جایی استاد که از این عمل مطلع شده، به راهب می‌گوید این شهوت می‌تواند شهوت قتل را هم در تو برانگیزد. استاد دختر را به بیرون از قلمرو خود می‌برد. راهب نوجوان بین بندگی بودا و عشق زمینی خود مانده است. انتخاب او دختر است. در پاییز فیلم، استاد بودایی به‌طور اتفاقی به خبری در روزنامه برمی‌خورد که مردی پس از قتل همسرش متواری شده است. قاتل همان شاگرد استاد است. مرد دوباره پیش مرید خود بازمی‌گردد. دو کارآگاه برای دستگیری او می‌آیند و او را با خود می‌برند. در بخش زمستان، راهب بار دیگر بازمی‌گردد اما خبری از استاد نیست. این‌گونه به نظر می‌رسد که او دوران محکومیتش را سپری کرده و حالا دنبال چیزی در زندگی‌اش می‌گردد که او را به آرامش ذهنی و دوری از شهوت و وابستگی و تمنا برساند. در آخرین فصل فیلم که مجادله بهار است، باز کودکی راهب را می‌بینیم، مشغول کوبیدن روی لاک یک لاک‌پشت.

شر کجا سکونت دارد؟

ژیژک درباره فیلم کیم کی دوک می‌نویسد: «فیلم «بهار، تابستان، پاییز، زمستان... و بهار» اثری از کیم کی دوک با یک راهب بودایی خردمند و یک پسر بچه معصوم و کوچک به‌عنوان شاگرد وی، آغاز می‌شود.»

چندسال بعد، یک زن جوان از راه می‌رسد تا به کمک آنها شفا یابد و از اینجا به بعد است که در هر صحنه تیر هرج و مرج آغاز می‌شود؛ پسر و زن که هر دو جوان هستند با هم ارتباط برقرار می‌کنند و پسر به دنبال آن زن به شهر می‌رود و خانه راهب را که روی یک دسته الوار بر دریاچه‌ای پشت کوه قرار گرفته است، ترک می‌کند. چند سال بعد پسر که هم‌اکنون مردی است، که اولین سال‌های دهه سوم خود را سپری می‌کند، بازمی‌گردد. اما او توسط دو کارآگاه تعقیب می‌شود چراکه آن زن را از سر حسادت کشته است. در نتیجه آنها برای تحقیق در این مورد پیش راهب پیر می‌روند. کسی که پیش از این به پسر همدار داده بود، عشق به یک زن منجر به دل‌بستگی می‌شود که در نهایت هم با قتل کسی که به آن دل‌بسته شد، پایان یافت.

اولین چیزی که در اینجا متوجه می‌شویم این است که چرخه فیلم به معنای واقعی از خود فیلم بیشتر طول می‌کشد. چرا مرد جوان آن زن را که او را به خاطر مرد دیگری رها می‌کند، می‌کشد؟ چرا او نسبت به عشق خود بسیار حس مالکیت دارد؟ آیا یک مرد به‌طور متوسط در

متوسط در زندگی دنیوی و غیرروحانی خود می‌تواند این مسأله را بپذیرد، اگرچه این مسأله برایش بسیار دردناک باشد؟ بنابراین به چه دلیل تربیت بودایی او وی را وادار به انجام این کار می‌کند؟ چه می‌شود که یک زن به تنهایی به‌عنوان یک ایزه برخوردار از شهوت و دارای اختیار ظاهر می‌شود و در نهایت همین امر سبب می‌شود توسط یک مرد کشته شود؟ در نتیجه آیا تمام چرخه طبیعی – که فیلم در آن سیر می‌کند و قتل را هم شامل می‌شود- ورودی است به جهان بودایی؟

هگل در کتاب «پدیدارشناسی روح» نوشته است «شر سکونت دارد در نگاه خیره‌ای که شر را از محیط اطراف خودش حس می‌کند.» آیا فیلم کیم کی دوک یک نمونه کامل از چنین بینشی است؟ شر فقط شهوت مالکیت انسان نیست، شر نگاه خیره منفصل راهب است که شهوت مالکیت بر چیزی را به‌عنوان یک شر درک می‌کند. این چیزی است که در فلسفه ما آن را انعطاف‌پذیری می‌نامیم؛ نظری که در آن ما حالتی از یک شی را که می‌تواند خودش بخشی از یک حالت اشیا باشد، محکوم می‌کنیم.

اسلاوی ژیزک

“

اولین چیزی که در اینجا متوجه می‌شویم این است که چرخه فیلم به معنای واقعی از خود فیلم بیشتر طول می‌کشد. چرا مرد جوان آن زن را که او را به خاطر مرد دیگری رها می‌کند، می‌کشد؟ چرا او نسبت به عشق خود تا این حد حس مالکیت دارد؟ آیا یک مرد به‌طور متوسط در زندگی دنیوی و غیرروحانی خود می‌تواند این مسأله را بپذیرد، اگرچه این مسأله برایش بسیار دردناک باشد

”



اندیشه

www.Farheekhtegan.ir

Wed | 13 May 2015 | vol.07 | No. 1660

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ | ۲۴ رجب ۱۴۳۴ | ۱۳ می ۲۰۱۵ | شماره ۱۶۶۰

تهدید زیباکلام به «سفر قندهار» در نامه به وزیر ارشاد

«فرار کتاب‌ها»

زیبا کلام به وزیر ارشاد نوشته است اگر دو کتابش در ایران مجوز نمی‌گیرد آنها را در افغانستان یا سرزمین دیگری چاپ می‌کند



مصادق‌های عملی

هرچند به نظر می‌رسد جمله پایانی نامه زیباکلام به وزیر ارشاد، اشاره‌ای ظریف و تهدیدآمیز از سوی این استاد دانشگاه به انجام چنین کاری توسط او در سال‌های گذشته داشته باشد اما از این دست اتفاقات در ایران امروز کمتر به وقوع پیوسته است. هر چند جلد دوم خاطرات یکی از شخصیت‌های سیاسی در اروپا چاپ شد و کتاب‌های ممنوعه‌ای که به زبان فارسی نوشته شده‌اند، پیش از این وارد ایران شد و به صورت افست چاپ و منتشر شد، اما سابقه اصلی چاپ کتاب در «سرزمین‌های دیگر» چندان زیاد نیست. در این میان زیباکلام از یک کشور به‌خصوص نام می‌آورد: کشور همسایه افغانستان که خود در زمینه نشر، اتفاقات و روزهای خاصی را سپری کرده است.

ما در افغانستان چیزی به نام اداره کتاب و مکانی که به ممیزی کتاب‌ها بپردازد، نداریم. نبود ممیزی در کشور افغانستان باعث شده است بسیاری از ناشران و نویسندگانی که کتاب‌هایشان امیدی برای دریافت مجوز در ایران ندارند، برای چاپ کتاب‌هایشان به افغانستان بروند و پس از آن کتاب را به صورت غیرمجاز به ایران بیاورند.

رمان روسی در افغانستان چاپ شده، می‌گوید: «این کتاب به تعداد ۱۰۰۰ نسخه در پشاور پاکستان با کیفیت و کاغذهای فوق‌العاده بد چاپ شد و پس از آن به صورت قاچاق به ایران فرستاده شد و در ایران به صورت افست چاپ و نشر داده شد.» شریعتی کتاب‌هایشان به افغانستان بروند و پس از آن کتاب را به صورت غیرمجاز به ایران بیاورند. افغانستان اساسی نوشتاری، دپداری و شنیداری به رسمیت شناخته شده و به همین دلیل هیچ‌گونه سانسور خاصی بر کتاب‌های نشر شده اعمال نمی‌شود. حتی ناشران کتاب در افغانستان از زحمت راهم به خود نمی‌دهند که برای نشر یک کتاب از مراجع رسمی و قانونی مجوز بگیرند. اتفاقی که برای یک رمان روسی نیز افتاد و ترجمه فارسی آن در دست دوم‌فروشی‌ها و کنار خیابان انقلاب به راحتی دیده می‌شد.

بازار کتاب ایران در افغانستان

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در برزابه بازار کتاب در افغانستان وجود دارد، حضور گسترده کتاب‌های چاپ و منتشرشده ایران در بازارهای کتاب افغانستان است. آمار شریعتی از درصد حضور کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان شنیدنی است: «سالانه چهار تا پنج میلیون تومان کتاب‌های ایرانی در افغانستان فروش دارند.» البته شریعتی بر این نکته تأکید می‌کند که کتاب‌های

رمان روسی در افغانستان چاپ شده، می‌گوید: «این کتاب به تعداد ۱۰۰۰ نسخه در پشاور پاکستان با کیفیت و کاغذهای فوق‌العاده بد چاپ شد و پس از آن به صورت قاچاق به ایران فرستاده شد و در ایران به صورت افست چاپ و نشر داده شد.» شریعتی کتاب‌هایشان به افغانستان بروند و پس از آن کتاب را به صورت غیرمجاز به ایران بیاورند.

چاپ کتاب در پشاور پاکستان

شریعتی ضمن رد این مسأله که آن

ایرانی مناسب از نظر محتوا که او آنها را «درجه یک» می‌نامد، ۳۰ درصد بازار فروش افغانستان را تسخیر کرده‌اند. این در حالی است که به گفته اجمل عازم، رئیس اتحادیه ناشران افغانستان «بیش از ۸۰ درصد کتاب‌های بازار افغانستان، ایرانی هستند، هر چند بیشتر این کتاب‌ها در پاکستان چاپ افست و به صورت قاچاق روانه افغانستان می‌شوند.» گویی همه راه‌ها در این بازار به پاکستان ختم می‌شود.

آیا کتابی در افغانستان چاپ شده است؟

شریعتی با آنکه در گفت‌وگو با فرهیختگان به این مسأله تأکید می‌کند که غیر از دو مورد رمان کتاب دیگری سراغ ندارد که در افغانستان چاپ شده باشد، به نکته‌ای مهم درباره چاپ کتاب در بازار ایران اشاره می‌کند: «کتاب‌هایی در ایران وجود دارند که هنوز اجازه چاپ به آنها داده نشده اما کتاب‌های بسیاری در نقد آنها منتشر شده است. اصل کتاب هنوز اجازه چاپ ندارد اما نقد آن به راحتی منتشر می‌شود. شاید یکی از دلایل عدم نویسندگان برای چاپ کتاب در افغانستان همین باشد.»

فرآیند چاپ کتاب‌های ممنوعه

کتاب‌های بسیاری در ایران وجود دارند، که علی‌رغم نداشتن مجوز انتشار می‌توان آنها را به راحتی از دست دوم‌فروشی‌ها و کتابفروشی‌های کنار خیابان انقلاب در تهران تهیه کرد. فرآیندی که امروز به سادگی در حال انجام است با استفاده از چاپ افست به مقدار فراوانی حتی در اقصی نقاط کشور نیز پخش می‌شود.

هرچند علی جنتی در آغاز حضورش در وزارت ارشاد، طرح اعمال ممیزی از سوی ناشران را پیشنهاد داد و با واکنش منفی آنان روبه‌رو شد، اکنون وزارتخانه متبوع او باید در برابر این پدیده راه‌حل تازه‌ای از خود ارائه دهد. متأسفانه فرآیند مجوز گرفتن کتاب‌ها در ایران بی‌نهایت پیچیده و دشوار است و کسانی مانند زیباکلام را به این فکر وامی‌دارد که قانون با وجود این که در ایران را دور بزنند یا حتی حرفی درباره آن زده باشند. افغانستان به دلیل مشترکات فراوان فرهنگی‌ای که با ایران دارد، یکی از مناسب‌ترین نقاطی است که کتاب‌های فارسی به راحتی می‌توانند در آن منتشر شود. در این میان بسیاری به دلیل آشنایی با ناشران افغانستانی، سعی می‌کنند شرایط را برای چاپ کتاب‌های ممنوعه فراهم کنند.

تاکنون هر چند کتاب‌های رمان و شعر بیشتر استقبالی را در این میان داشته است اما نامه زیباکلام نشان از اتفاقات تازه‌ای دارد که برخی بخواهند در حوزه اندیشه، سیاست و تاریخ نیز دست به حضور کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان شنیدنی است: «سالانه چهار تا پنج میلیون تومان کتاب‌های ایرانی در افغانستان فروش دارند.» البته شریعتی بر این نکته تأکید می‌کند که کتاب‌های

رمان روسی در افغانستان چاپ شده، می‌گوید: «این کتاب به تعداد ۱۰۰۰ نسخه در پشاور پاکستان با کیفیت و کاغذهای فوق‌العاده بد چاپ شد و پس از آن به صورت قاچاق به ایران فرستاده شد و در ایران به صورت افست چاپ و نشر داده شد.» شریعتی کتاب‌هایشان به افغانستان بروند و پس از آن کتاب را به صورت غیرمجاز به ایران بیاورند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در برزابه بازار کتاب در افغانستان وجود دارد، حضور گسترده کتاب‌های چاپ و منتشرشده ایران در بازارهای کتاب افغانستان است. آمار شریعتی از درصد حضور کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان شنیدنی است: «سالانه چهار تا پنج میلیون تومان کتاب‌های ایرانی در افغانستان فروش دارند.» البته شریعتی بر این نکته تأکید می‌کند که کتاب‌های

نگاه

تبدیل نمی‌شدند، به بهترین شکل ممکن مدارا می‌کردند و مانع از ایجاد هر نوع مزاحمتی برای آنان می‌شدند. ادیبان و شعرا می‌انیز با الهام از این ویژگی همواره بر «مدارا با دوستان و مروت با دشمنان» تأکید ورزیده‌اند. آن حضرت به تاسی از کلام خدا همواره بر استماع اقوال مختلف تأکید ورزیده‌اند و مومنان را بر گزینش بهترین کلام توصیه فرموده‌اند، چراکه قرآن مجید تأکید کرده است «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتعوبون احسن» (مژه باد بندگان را که کلام‌های متنوع را می‌شنوند و از آن میان از نیکوترین آنها تبعیت می‌نمایند). مذاقه در آثار اهل هنر نیز نشان از آن دارد که آنان با الهام گرفتن از این مثنوی و منش اخلاقی رسول‌الله(ص)، هم در پی بهره‌گیری از اقوال مختلف برآمده‌اند و هم از آن میان نیکوترین‌ها را برگزیده و ارزانی دل‌های تشنه، کلام نیکو و منطقی داشته‌اند. مثنی پیامبر(ص) همواره بر «سنجیده سخن گفتن» و «اندیشیده حرف زدن» بوده است. اندکی تأمل در حجم آثار شعرا الهام‌بخش هنرمندان ما جای داد. آن حضرت «اهل مدارا» بوده‌اند و با دشمنان خود، مادامی که به سستی در برابر نشتر احکام نوزانی اسلام

خبرنامه

تاریخ پهلووی بررسی می‌شود



سلسله‌نشست‌های سوژه‌یابی از تاریخ معاصر به همت حوزه هنری با حضور یعقوب توکلی برگزار می‌شود. نشست س سری اول که طی سه جلسه برگزار می‌شود به تاریخ پهلوی می‌پردازد که این سری نشست دوشنبه ۲۸ اردیبهشت به رضاخان، دوشنبه ۴ خرداد به محمدرضا پهلوی و دوشنبه ۱۱ خرداد به فرح دیبا اختصاص دارد. این نشست‌ها در سالن امیرحسین فردی حوزه هنری از ساعت ۱۶ تا ۲۰ حافظ سمیه، روبه‌روی دانشگاه امیرکبیر برگزار می‌شود.

الحیاه‌السیاسیه لائمه اهل‌البيت (ع)



کتاب «الحیاه‌السیاسیه لائمه اهل‌البيت(ع)» به همت رابزنی فرهنگی ایران با هدف معرفی مکتب سیاسی ائمه(ع) در عراق، چاپ و منتشر شد. این اثر در راستای معرفی مکتب سیاسی ائمه معصومین(ع) و با هدف روشننگری حیات سیاسی اهل‌البيت(ع) تهیه و گردآوری شده است. ازجمله‌سیاسیه‌های این کتاب می‌توان به «منهج سیاسی نبی مکرم اسلام» در بنیان‌گذاری نهضت جهانی اسلام» و «ریشه‌های انحراف و اختلاف در حکومت نوبی اسلام» اشاره کرد. در بخشی دیگر از این کتاب، «منهج سیاسی امام علی(ع) در مواجهه با انحرافات ایجاد شده در حکومت و خلافت نو بنیاد اسلامی» و «شیوه حکومتی امام علی(ع) در دوران حیات سیاسی امام حسن مجتبی(ع) در دوران خلاق ظاهری چند ماهه و «مطل ظالم و فاسد یزید بن معاویه» و «مطل سیاسی رخداد عظیم عاشورا در زمان امامت ابا عبدالله الحسین(ع)» از دیگر مطالب این کتاب به شمار می‌رود.

ترجمه‌های تازه از آثار شهید صدر



پنج جلد از آثار تازه انتشار یافته شهید سیدمحمدباقر صدر به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر) ترجمه و منتشر شده است. کتاب «بارقه‌ها» که برای نخستین‌بار به فارسی منتشر می‌شود، ترجمه‌ای از کتاب «ومضات» شهید صدر است که سیدامید موذنی آن را ترجمه کرده است. این کتاب ترجمه جلد ۱۷ «موسوعه‌الامام‌الشهید السید محمدباقرالصدر» است. «اقتصاد ما» دیگر عنوان از این مجموعه است که در دو جلد و با ترجمه سیدمحمد مهدی برهانی و سیدابوالقاسم حسینی ژرفا منتشر شده است. همچنین کتاب «فلسفتنا» شهید صدر با ترجمه‌ای از «رسالت» ما عنوان مجلد دیگری از این مجموعه است که شامل سه مجموعه از آثار شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر با ترجمه سیدمهدی زندیه انتشار یافته است.

الهام‌بخشی خلق و اخلاق پیامبر اعظم (ص)

پیامبر مدارا



سعيد منتظرالمهدي
معاون اجتماعی ناجا

۱۴۰۰ سال است که محمد مصطفی(ص)، خاتم پیامبران الهی، یکی از نخستین منابع الهام‌بخش برای فرهنگ و هنر و ادبیات برای خلق آثار نغز و ماندگار است. به اذعان آن دسته از اندیشمندانی که مدافق، در حیات پربرکت آن پیامبر رحمت را وجه همت خویش قرار داده‌اند و زندگی و اثرات شگفت کلام و رفتار و حالات و مسکنات و حتی سکوت، آن بزرگوار را به رشته تحریر درآورده‌اند و آثاری ژرف و تأمل برانگیز به جامعه جهانی عرضه داشته‌اند، هیچ بنی‌بنسری همچون آن رسول خاتم توانسته است این چنین پرشومول و پرشومول هنرمندان خلاق و اندیشمندان نوآور را برای عرضه آثار ماندگار و تفکربرانگیز ترغیب و تهییج کند. نیازی به بیان نیست که در میان «الهام‌انگیزان» و «منابع الهام‌بخش» می‌توان نام بسیاری از اولیا و انبیا و اندیشمندان و دانشمندان را شمار کرد، اما بی‌هیچ‌گفت‌وگویی هر صاحب انصافی، خواه در شمار مومنان و

پیروان پیامبر(ص) باشد یا نباشد، اذعان خواهد کرد که الهام‌بخشی آن همه در برابر این دُرْدانه عالم خلقت «اندک» است در برابر «بسیار» و «قلیل» است در برابر «بسیار». به‌ویژه، الهام‌بخشی آن رسول‌نازنین برای خردمندان و هنرمندان و اندیشمندان، آن هم نه امروز و دیروز، بلکه در درازای ۱۴ سده گذشته، بسیار بیش از صاحبان خرد و ادب و فرهنگ دیگر اقلیم‌های عالم اسلام بوده است. در تأیید این مدعا کافی است هر یک از ماندگی در آثار بزرگ اندیشمندان فرهنگ‌سازی همچون سعدی و حافظ شیرازی، مولانا، ملاصدرا، خیام، جامی، صائب، رازی، بوعلی و صدها هنرمند صاحب اثر معاصر، تأمل بورزد و آنها را هم از حیث کیفیت و غنا و هم از حیث کمیت و پرتعدادی با آثار خلق شده در دیگر بلاد اسلامی، حتی در خاستگاه آن پیامبر معنا و معنویت، مقایسه کند. ویژگی‌های «منش‌شناختی» و «اخلاقی» حضرت رسول(ص) را می‌توان در شمار منبع بزرگ الهام‌بخش هنرمندان ما جای داد. آن حضرت «اهل مدارا» بوده‌اند و با دشمنان خود، مادامی که به سستی در برابر نشتر احکام نوزانی اسلام